

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

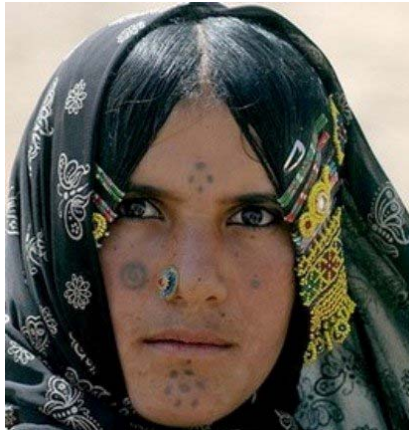
سیاسی

یونس نگاه
۱۰ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

زن و عورت



در زبان اردو، زن را عورت می‌گویند. در فارسی ما عورت به شرم‌گاه می‌گوئیم. در عربی نیز این کلمه به معنای شرم‌گاه و امری مایه شرم است.

عورتِ اردو از عربی گرفته شده و عربی شده کدام کلمه سانسکریت یا محلی نیست که خانم، خاتون، زن یا همسر معنی بدهد. پنهان کردن عورت کارکرد اصلی حجاب است و به‌منظر می‌رسد گذاشتن این نام بر زنان در زبان اردو که پرورشگاه بخشی از بنیادگرایی مذهبی است، از جایگاه زنان در ادبیات و ذهنیت بنیادگرایان جامعه مسلمان هند و متأثر از آن، افغانستان، حکایت دارد. پس، اگر زن عورت پنداشته شود، دور از انتظار نیست که حاملان این پندار زنان را مثل شرم‌گاه مردان پوشیده بخواهند.

چادری مشهور شهرهای افغانستان، آن پوششی که در سر شباهت بسیار به قفس پرندگان دارد، نیز از هند آمده است. اولین چادری‌های افغانستان در پیشاور، لاهور و شهرهای دیگر هند تولید می‌شده و همزمان به تثبیت حضور انگلیس در آن شبه قاره و واکنش‌هایی که پس از آن خلق گردید، وارد افغانستان شده است. در نقاشی‌ها، اشعار، دوبیتی‌ها و

قصه‌های فولکلور افغانستان پیش از استعمار انگلیس، چادری غایب است. برداشت عورت از زنان نیز در ادبیات، شعر و حکایت‌های افغانستان پیش از آن دیده نمی‌شود، هرچند قایل شدن نقش شیطانی و نفسانی برای زن در شعر و نثر فارسی اسلامی قدمت دارد (زن و اژدها هر دو در خاک به- شهنامه. تو را چو عقل پدر بوده است و تن مادر / جمال روی پدر درنگر اگر پسری- کلیات شمس) و به زبان پشتو نیز شعر و متن در تقبیح زن می‌توان یافت. اما مثل امروز زن را به عورت تقلیل نمی‌داده‌اند.

رفتار طالبان با زنان فرقه‌ئی است. یعنی آنچه طالبان بر زنان تحمیل می‌کنند حاصل فرهنگ غالب کشور یا فرهنگ غالب یک قوم نیست. این روایت‌های تندروانه و ضد مدنیّت چون از شبه قاره هند آمده، جنوب کشور را بیشتر متأثر کرده است اما در همان جنوب نیز هنوز فرهنگ غالب نگشته و اکثریت را از گذشته تاریخی و فرهنگی شان دور نتوانسته است. کوچی‌ها شاید بیش از دیگران فرهنگ غالب پشتون‌ها را در پوشش و رفتارشان حفظ کرده باشند. روی‌گیری و حجاب کامل بین کوچی‌ها رایج نیست. پیکه‌ها/چوتی‌ها/طره‌های دختران و زنان کوچی بر پیشانی و دور صورت‌شان آشکار است. کوچی‌ها آستین‌های گشاد می‌پوشند و هنگام انتقال بار و گرفتن ریسمان شتر، گاهی ساق‌های سیمین دستان دختران تا آرنج عریان می‌شود. در پوشش سنتی کوچی‌ها گردن نیز "عورت" نیست. لذا مهم است که مخالفان طالب بدانند که در مبارزه علیه افکار طالبانی با فرهنگ، ملت و قومی روبه‌رو نیستند بلکه با آفتی مواجه‌اند که بخشی از مردم ما را در چهارسوی سرزمین، اما در جنوب بیشتر، آلوده کرده است.

نکته دیگر این که رفتار طالبان با زنان سلیقه‌ئی نیست. یعنی آنچه ملامت‌الله یا ملاحسن در ارتباط به آموزش، کار و پوشش دختران و زنان می‌گویند سلیقه شخصی‌شان نیست که با نصیحت و خواهش حل شود. سیاست‌مداران پشتون و آن‌ده قوم‌گرایانی که تصور می‌کنند طالبان را می‌توان با تشویق و ترغیب به سمتی کشاند که تن به اصلاحات حداقلی بدهند و ضمن تحکیم سلطه قومی به تعلیم زنان و آزادی‌های نسبی اجتماعی احترام بگذارند، باید بیشتر از دیگران به این ظرافت فکر کنند. درست است که خاستگاه طالبان بخشی از جامعه پشتون است، اما آنان از نظر فکری با روایت‌های افغان‌ملتی، خلقی و لیبرال از قوم و حاکمیت ملی اختلاف بنیادی دارند. آنان روایت مستقل و ریشه‌داری را در سیاست و فرهنگ نمایندگی می‌کنند که قرن‌ها تیوریزه و تبلیغ شده و با ایده‌آل‌های قوم‌گرایان چپ، لیبرال و دمکرات پشتون فرسنگ‌ها فاصله دارد. هزاران مدرسه و میلیون‌ها مسلمان در پاکستان، هند و برخی کشورهای دیگر که هیچ همسویی با قوم‌گرایی پشتون ندارند، از طالبان در تطبیق برنامه‌های بنیادگرایانه حمایت می‌کنند. لذا باید سیاست ضد زن طالبان را همچون آفت بزرگ و ریشه‌دار جدی بگیریم و در برابر آن محکم بایستیم. باید از حقوق دمکراتیک و سکیولار ساکنان این سرزمین حمایت کنیم و روند طالبانیزه کردن جامعه را متوقف سازیم.